یادداشت

وقتی ازدواج می‌کنم که بخواهم

الهه علی‌کرمی

● حقوق کودک از مهم‌ترین بحث‌ها در حوزه حقوق خانواده است. در همین زمینه، مکاتب گوناگون حقوقی، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه داده‌اند و بحث‌های مختلفی صورت گرفته؛ هدف از این نوشتار بررسی سن قانونی ازدواج در ایران و راهکارهای موجود است.

متأسفانه هیچ آماری درباره طبیعت و گستره ازدواج در سنین پایین و بهره‌برداری جنسی در ایران در دست نیست چراکه این موضوع آشکارا مورد بحث و بررسی قرار نمی‌گیرد و دست‌اندرکاران ادعا می‌کنند که سوءاستفاده جنسی از کودکان در قالب عقد ازدواج مصداق پیدا نمی‌کند. چگونه ممکن است فقدان آمار و ارقام درباره سوءاستفاده جنسی از کودکان نباید بهانه‌ای برای کوتاهی و مسامحه باشد، زیرا در قانون مدنی ماده ۱۰۴۱ مصوب ۱۳۱۳ نکاح اناث قبل از رسیدن به ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به ۱۸سال تمام ممنوع اعلام شده است و در مواردی که استثنای معافیت از شرط سن اعطا شود، درهرحال این معافیت نمی‌تواند به اناثی که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری که کمتر از ۱۵ سال دارند، اعطا شود. بعد از این ماده مطابق قانون اصلاحی که در سال ۱۳۶۱ ثبت شد و سن مجاز برای ازدواج را بعد از بلوغ دانست و در تبصره آن ماده بیان می‌شد که عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است؛ به شرط رعایت مصلحت مولی علیه و در آخر اصلاحی در سال ۱۳۸۱ درباره سن ازدواج بیان کرد عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به ۱۳سالگی تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به ۱۵ سال تمام شمسی منوط به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح است. پس در این ماده نفوذ نکاح صغیر مشروط بر این دانسته شد که اقدام ولی به مصلحت کودک باشد و به‌بارنیامدن مفسدت کافی نیست و در قانونی که در سال ۱۳۸۱ به‌عنوان قانون حمایت از کودکان و نوجوانان تصویب شده، در ماده یک آن اعلام می‌کند کلیه اشخاصی که زیر ۱۸ سال باشند، کودک و نوجوان محسوب می‌شوند. در ماده ۲ این قانون، قانون‌گذار هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان را که موجب صدمه جسمانی یا روانی یا اخلاقی به آنها شود یا سلامت جسم یا روان آنان را به خطر بیندازد، ممنوع کرده است و برای هرگونه صدمه، اذیت و آزار، شکنجه جسمی و روحی کودک، نادیده‌گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی او و ممانعت از تحصیل او، فرد مرتکب این امور را به حبس و جزای نقدی تهدید کرده‌اند؛ همچنین در قانون‌گذاری در ماده ۵، کودک‌آزاری را از جرائم عمومی محسوب کرده است که نیاز به شکایت شاکی خصوصی ندارد. از طرف دیگر قانون رشد متعاملین، معاملات و قراردادهای مالی افراد زیر ۱۸ سال را بی‌اعتبار اعلام کرده است؛ یعنی این افراد نمی‌توانند تعهد مالی بر عهده بگیرند یا طرف قراردادهایی واقع شوند که جنبه مالی دارد. همان‌طور که می‌دانید، ازدواج قراردادی است که برای تحقق آن رضایت زن و شوهر لازم است. برای اینکه این رضایت محقق شود، باید طرفین اهلیت داشته باشند و یکی از شروط داشتن اهلیت علاوه بر بلوغ، رشد است. یعنی همان چیزی که در قانون رشد متعاملین، وجود آن در افراد زیر ۱۸ سال معدوم فرض شده است. همچنین توجه داشته باشید که بدون تردید، قرارداد نکاح آثار مالی دارد. آن‌گاه این سؤال مطرح خواهد بود؛ چگونه کسانی که کودک محسوب می‌شوند...

ادامه در صفحه ۱۷

آغاز گفت‌وگو درباره «پساحقیقت»

ادامه از صفحه اول

مردم بریتانیا هم در همه‌پرسی برگزیت به طور مشابه نشان دادند که وقعی به اجماع فراگیر بین اقتصاددانان و متخصصان علوم سیاسی نمی‌گذارند و نظر متخصصان را در اینکه جدایی از اتحادیه اروپا به ضرر مردم بریتانیا و آیندگان است، عملا «دور از حقیقت» می‌دانند و در نهایت در روز رفراندوم آنچه رخ داد این بود که معجون حس ترس از مهاجران و حس تحقیر و استعمارشدگی از سوی اتحادیه اروپا کار خود را کرد و اجازه داد شعارهای تبلیغاتی منفی در ذهن رأی‌دهنده بریتانیایی رسوخ و رسوب کند و او را به سمتی ببرد که بی‌توجه به حرف متخصصان، رأی «خروج» را به صندوق بیندازد.

جدا از پیامدهای این دو رخداد، خود مفهوم «پساحقیقت» یک پیام خیلی مهم دارد؛ و آن اینکه این جوامع به طور جدی وارد یک «برهه چالش‌زا» با متخصصان و آنچه آنها با عنوان محصولات علمی تولید می‌کنند شده‌اند. قطعا این مسئله کم‌اهمیتی در عصر دانش نیست. اگرچه برخی همچون سفیر پیشین روسیه در بریتانیا این توجه را آدرس غلط‌دادن غرب در مواجهه با مشکل می‌دانند، اما بااین‌حال، جای سؤال است که چرا در ایران کمتر از آن صحبت شده است. چرا با اینکه واژه «پساحقیقت» به‌خاطر رشد دوهزاردرصدی استفاده از آن بین مخاطبان انگلیسی‌زبان به‌عنوان واژه سال ۲۰۱۶ از سوی لغت‌نامه آکسفورد انتخاب شد، در رسانه‌ها و تحلیل‌های پژوهشگران ایرانی کمتر شنیده و در نقد آن مطلبی نوشته شد. در اینجا اما بهتر است فارغ از پاسخ به این سؤال خاص و همچنین این مسئله که آیا اصلا ما وارد دوران جدیدی به نام پساحقیقت شده‌ایم یا نه، سؤال مهم‌تر دیگری را از خود بپرسیم؛ اینکه، «پساحقیقت» اساسا به دنبال چیست؟ به چه دردی می‌خورد؟ و ما را قرار است به تفکر در چه اموری ترغیب کند؟

ممکن است عده‌ای بر این باور باشند که این مسئله که ۲۰۱۶ سال پساحقیقت یا به تعبیر ساده‌سازی‌شده فایننشال‌تایمز «سال دروغ» بوده است، فی‌نفسه چالش جدیدی پیش‌روی دموکراسی نگذارد، چه آنکه کلیشه دروغ و دنیای سیاست و سیاست‌مدارانی که به وعده‌هایشان عمل نمی‌کنند یا جامعه‌ای که برای انتخاب بین سیاست‌مدار بد و بدتر مدام در حال دست‌وپازدن است را همه خوب می‌دانیم. پس در نتیجه شاید بگوییم این چیز جدیدی نیست، اما جعبه سیاهی که پساحقیقت در پیش چشمانمان باز می‌کند خبر از تغییر ژرف‌تری در نوع مناسبات اجتماعی-سیاسی، آن‌هم در عصر اطلاعات و دانش می‌دهد. پساحقیقت از دروغ‌های آشکاری حرف می‌زند که به‌آسانی به امری «روزمره» در گفت‌وگوهای تاکسی و اتوبوس یا پشت میز شام تبدیل شده‌اند؛ دروغ‌هایی که سیاست‌مدار بدون پرداخت هیچ هزینه خاص سیاسی و اجتماعی می‌تواند در پشت تریبون‌ها و در رسانه‌های دیداری مقابل چشمان میلیون‌ها بیننده، رسا و بی‌واهمه بگوید و در پاسخ هرگونه اعتراضی به اصالت حقیقتی که او در پیش همگان برمی‌سازد، بگوید: «من آن چیزی را که در ذهنم هست، می‌گویم» و مخاطب او هم از همین صداقت عریانش خوشش بیاید و ستایشش کند. در این دنیا به‌عبارتی، «واقعیات» بی‌شرمانه «عقیم» می‌شوند و به موجودی بی‌اثر و خنثی تنزل پیدا می‌کنند. این را به‌گونه‌ای دیگر مک ترنان که نویسنده خطابه‌های تونی بلر و مسئول ارتباطات جولیا گیلارد بوده است، خطاب به هیلاری کلینتون چندماه پیش از انتخابات این‌گونه می‌گوید: «واقعیت» مهم نیست، این «احساسات» است که مهم است. مک ترنان به کلینتون هشدار می‌دهد از «چاقویش» مقابل «تفنگ» ترامپ استفاده نکند. این گفته عملا یک مصداق عینی را از مناسبات درونی دنیای پساحقیقت به ما نشان می‌دهد. در این سپهر سیاسی به‌راحتی می‌شود هرگاه در یک مناظره یا در مواجهه با یک پرسش مسئولانه، اوضاع را پس دید، بدون هیچ نگرانی گفت: «من را با این فکت‌ها خسته نکنید»؛ یا مثلا اینکه: «گوشم از این حرف‌ها پر است؛ همین آنها بودند که ما را به اینجا رسانده‌اند، حالا می‌خواهید من اعداد و ارقامی را که می‌گویند باور کنم؟!» و شبیه این گونه حرفا.

در این دنیا، سیاست‌مدار هیچ نیازی نمی‌بیند حرفی بزند که مطابق واقعیت باشد؛ چراکه «حق دروغ‌گفتن» را بر خود مسلم می‌داند؛ به‌ویژه آن زمانی که دروغ‌ها بیش از حد آشکار و به تعبیری حتی مسخره باشند. اما این کم‌مایگی و بی‌مایگی سیاسی در «ذهن» مخاطبی که قرار است به آن سیاست‌مدار و گفته‌هایش برای تغییر «دل» ببندد، صد البته کمتر رسوخ می‌کند؛ چراکه راه این دو، یعنی دل و ذهن، به لحاظ روانی غالبا با هم متفاوت‌اند. راه نفوذ از این جهت بسته است که دو فیلتر عمده، افق دید ما را به عنوان «مخاطب امر سیاست» در طول زمان کوچک و کوچک‌تر می‌کنند. اولین فیلتر ناشی از آن است که مخاطب غالبا اطلاعات را از آنجایی می‌گیرد که معمولا با اعتقادات درونی‌اش همسو است؛ مثل همین الان که شما در حال خواندن روزنامه «شرق» هستید، نه روزنامه دیگری. زمانی هم که قرار باشد اطلاعات از جایی جدید و تا حدی ناهمسو با منبع همیشگی وارد دنیای مخاطب شود، دومین فیلتر فعال می‌شود؛ فیلتر دوم، داده جدید را تا جای ممکن چنان تغییر می‌دهد تا در آخر با ترجمان ذهنی مخاطب از واقعیتی که پیرامونش رخ می‌دهد (یعنی آنچه همیشه فکر می‌کند که درست است)، کمترین افتراق را داشته باشد. مجموع عملکرد این فیلترها در نهایت «حباب‌های اطلاعاتی» می‌سازند که مخاطب را به سوی گونه خاصی از سیاست‌ورزی می‌کشاند؛ به‌ویژه در بزنگاه‌هایی مانند انتخابات و رفراندوم.

با تمامی این اوصاف، سیاست‌ورزی برپایه برانگیختن احساسات و همچنین همسوسازی ترجمان‌های متفاوت درونی اعضای جامعه از یک رخداد واحد، چیزی نیست که الزاما مختص ۲۰۱۶ باشد. تاریخ معاصر مملو از مثال‌هایی است که در بی‌شرمانه‌ترین آن تجربه فاشیست را برای بشریت به یادگار گذشته است. بااین‌حال، مسئله‌ای که دوران پساحقیقت کنونی را (اگر معتقد به وجود و ظهور آن باشیم) متفاوت با تجربه‌های پیشین می‌کند، زندگی در عصری است که قوانین کلیشه‌ای تولید محتوا کمتر کارا هستند و اطلاعات بنا به خواسته مخاطب و حباب اطلاعاتی‌اش، تولید و مصرف می‌شوند. مناسبات تولید محتوا در دنیای آنلاین به‌قدری تازه و جدید هستند که گاهی مخاطب هیچ مرز و دیواری بین فکت، پروپاگاندا، شبه علم، نظر و تحلیل کارشناسی حس نمی‌کند. شاید برای همین موضوع هم هست که بسیاری بعد از انتخابات اخیر آمریکا، گناه را به گردن فیس‌بوک می‌اندازند؛ چراکه این شبکه منبعی خبری برای بیش از ۴۰ درصد آمریکایی‌ها بوده است. حالا وقتی به این فکر کنیم که به طور مثال ۶۴ درصد از آمریکایی‌ها اخبارشان را فقط و فقط از یک رسانه اجتماعی دریافت می‌کنند، می‌توان فهمید که کارکرد حباب اطلاعاتی چیست. می‌توان فهمید چرا بسیاری از آمریکایی‌ها به‌ویژه ساکنان شهرهایی با سبقه لیبرال و پیوندهای وثیق به پدیده جهانی‌شدن، صبح روز بعد از انتخابات نمی‌توانستند باور کنند ترامپ، چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهور آمریکا خواهد بود و مدام می‌پرسیدند: «یعنی چطور ممکن است؟»

وجه مثبت پدیده‌هایی مثل ترامپ یا برگزیت، این است که «مخاطب امر سیاسی» نسبت به «حباب اطلاعاتی» که توانسته او را از «امر سیاسی» دور نگه دارد، آگاه می‌شود. این حیرت توأمان با آگاهی، فضای «پرسشگری» را ایجاد می‌کند و مفهوم پساحقیقت (چه درست یا نامناسب)، در این راستا توانسته و می‌تواند بسیار کمک‌کننده باشد. اما در نهایت این ما هستیم که باید بیشتر از گذشته «سؤال» بپرسیم و پساحقیقت در این میان تنها یک بهانه است.

از خودمان بپرسیم، چه چیز باعث شد ابهت آن چیزی که تمدن معاصر به عنوان «فکت» می‌شناسد، تا این حد تنزل یابد؟ اینکه، چرا «فکت»ها امروزه کمتر مورد اعتماد مردم به عنوان مخاطب اصلی امر سیاسی قرار می‌گیرند؟ آیا ایراد از «کیفیت» آنهاست یا «تعدد» سرسام‌آور انواع شاخص‌ها و معیارها که ما را در نوع رابطه‌مان با آنچه به عنوان «واقعیت» می‌شناسیم، گیج و مبهوت‌تر می‌کند؟ یا شاید مسئله، اعتماد مردم به فکت و فرایند تولیدش نبوده و نیست، بلکه اعتماد به «متخصصانی» است که آنها را تولید می‌کنند و در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهند؟ یا شاید مسئله حتی یک پله قبل‌تر باشد؛ یعنی مشکل از «مؤسسات» و «نهاد»هایی است که آن متخصصان را برای تولید آن فکت با سرمایه و پشتوانه سیاسی خاصی استخدام می‌کنند و دیگر مردم به آن نهادها اعتماد ندارند. یا شاید باز هم یک گام عقب‌تر و ریشه‌ای‌تر، مشکل از سایه سیاه نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌هاست که اعتماد به «نظام حکمرانی» که آن «نهاد»ها، آن «متخصص»ها و آن «فکت»ها را درون خود حمل می‌کند، از بین برده است. سایه‌ای که اعتماد را ذره‌ذره آب می‌کند؛ مثل آب‌شدن آدم‌برفی در سرمای زمستان.

ادامه از صفحه اول

برجام؛ افزایش قدرت بازدارندگی هسته‌ای

... اما واقعیت این است که بازدارندگی هسته‌ای صرفا به استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای محدود نمی‌شود.

ابعاد استراتژیک و امنیتی دستور دولت درباره پیشران‌های هسته‌ای

دستور رئیس محترم جمهور به سازمان انرژی اتمی برای آغاز طراحی و ساخت پیشران هسته‌ای و طراحی «تولید سوخت» مصرفی پیشران هسته‌ای را باید تصمیمی استراتژیک در چارچوب دکترین امنیتی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفت. البته تحلیل‌ها در روزهای گذشته درباره ابعاد تجاری اجرائی‌شدن چنین فناوری‌ای بیراه نیست. بیش از ۹۰ درصد تجارت بین‌المللی ایران از طریق مسیرهای دریایی انجام می‌شود؛ بنابراین تردیدی نیست که تجهیز برخی شناورهای تجاری ایرانی به موتورهای بهره‌مند از فناوری پیشرانه‌های اتمی در سال‌های آینده، سود کشور از تجارت بین‌المللی‌اش را به میزان درخور توجهی افزایش می‌دهد. اما این تصمیم رئیس‌جمهور که پیرو تصمیمات شورای عالی امنیت ملی و هیئت نظارت بر برجام گرفته شده، ابعاد امنیتی بیشتر و مهم‌تری دارد. استفاده از موتورهای مجهز به پیشرانه‌های اتمی در زیردریایی‌های هسته‌ای، ناوهای هواپیمابر، زیردریایی‌های مسلح و حامل موشک‌های تهاجمی بالستیک، یکی از مبانی مهم گرفتن چنین تصمیمی بوده است.

پس از اعلام دستور رئیس‌جمهور و اعلام برنامه استراتژیک جمهوری اسلامی برای گرفتن این تصمیم، دو دولت روسیه و ایالات متحده صراحتا اعلام کردند ایران با این تصمیم برجام را نقض نکرده است. از سوی دیگر این واقعیت نیز وجود دارد که طرح‌هایی شامل این تصمیم، از جمله طرح نوسازی تولید سوخت‌های هسته‌ای که از سال ۱۳۹۱ در کمیسیون‌های مختلف مجلس شورای اسلامی مطرح است، پیشینه این تصمیم را به پیش از حصول برجام و حتی پیش از آغاز به کار دولت کنونی بازمی‌گرداند. اما پرسش مهم این است که چرا پیش از این و در روزهایی که باید ابزارهای مذاکراتی ایران برای حصول توافق هسته‌ای تقویت می‌شد، کشور چنین تصمیمی نگرفته بود؟ پاسخ را باید در برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱ جست. برجام و قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل نقطه شکست پروژه ایران‌هراسی در صحنه بین‌المللی بودند که راه کشور برای توسعه برنامه‌های امنیت استراتژیک را محدود کرده بود.

آنچه اعلام این تصمیم استراتژیک را عملی کرد و کمترین هزینه‌ای برای کشور ایجاد نکرد، وجود توافق هسته‌ای و همچنین گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره عمل ایران به تعهداتش ذیل برجام بوده است. به عبارت دیگر، در صورت نبود برجام، اعلام و اجرای چنین تصمیمی بدون شک می‌توانست با واکنش شدید جامعه بین‌المللی روبه‌رو شود. فضای ایران‌هراسی ایجادشده قبل از توافق ژنو و قبل از توافق نهایی هسته‌ای، به‌گونه‌ای بود که کمترین رفتارهای متعارف از سوی ایران به بدترین نحو ممکن بزرگ‌نمایی می‌شد، اما وجود توافق هسته‌ای و تصمیم هوشمندانه نظام برای بهره‌برداری از مصوبه کنگره آمریکا برای تمدید مجدد قانون ISA در عمل راه را برای پیشبرد برنامه‌های امنیتی کشور هموار کرد.

تصمیم برای استفاده از این تکنولوژی هسته‌ای اگرچه در قالب کلیشه، استفاده تسلیحاتی از فناوری هسته‌ای نیست، اما در عمل میدان فعالیت استراتژیک نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و دیگر نیروهای نظامی کشور را به‌شدت توسعه داده است. حضور طولانی‌مدت و استراتژیک ایران در آب‌های بین‌المللی یک عامل جدی برای بازدارندگی نظامی است که با استفاده از این فناوری هسته‌ای شدنی خواهد شد؛ بنابراین دستور رئیس محترم جمهور برای آغاز طراحی و ساخت پیشران هسته‌ای و طراحی «تولید سوخت» مصرفی پیشران هسته‌ای را باید گواه این واقعیت در نظر گرفت که دولت جمهوری اسلامی ایران نه دولت حرف، بلکه دولت عمل است.

ادامه از صفحه اول

یاد استاد تعلیم و تربیت ایران

... به‌همین‌دلیل در سال ۱۳۴۳ (۴۲سالگی) با مرتبه استادی در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان و در سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ استاد مدعو دانشگاه آمریکایی ایندیاوتنسی بود. کتاب‌های ایشان قبل از انقلاب کتب اصلی منابع درسی دانشگاهی بوده و از وی تاکنون بیش از ۲۴ عنوان کتاب تألیف، هفت عنوان ترجمه و بیش از ۹۰ مقاله منتشر شده است.

تدریس در همه مقاطع تحصیلی اعم از داخل و خارج از توفیقات او بوده است. دکتر شریعتمداری مدال درجه یک علمی و نشان درجه یک تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران را نیز در کارنامه خود دارد.

۲- اهتمام به تولید دانش و پژوهش در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی از دیگر ویژگی‌های استاد شریعتمداری است. او هم‌زمان با کارهای پژوهشی در زمینه تعلیم و تربیت عمیقا به توسعه دانش و نشر تعلیم و تربیت اسلامی همت می‌گمارد. از تألیف کتب تا طراحی و سرفصل رشته‌های دانشگاهی با گرایش تعلیم و تربیت اسلامی تا تربیت دانشجویان در مقاطع ارشد و دکترا، از آثار ماندگار استاد در عرصه تعلیم و تربیت بوده است.

۳- از دیگر آثار ماندگار استاد تمرکز جدی و مستمر بر نظام تربیت معلم در آموزش‌وپرورش است. او بسیار متعهدانه و مسئولانه بر اهمیت و اعتلای فرایند پذیرش، آموزش و به‌کارگیری دانشجویان مراکز تربیت معلم به‌ویژه روش تدریس آنان تأکید داشت و تلاش گسترده‌ای برای کارآمدکردن نظام تعلیم و تربیت با مشارکت فعال در گروه برنامه‌ریزی تربیت معلم و شوراهای مرتبط مبذول می‌کرد و این یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های همیشگی او در حوزه آموزش‌وپرورش بود.

۴- استاد در کنار فعالیت علمی، تعلق‌خاطر به انقلاب و تلاش برای اعتلای ایران را نیز همیشه سرلوحه فعالیت و برنامه‌های خود منظور می‌کرد. خدمت به دانشگاه‌های ایران با مهاجرت از آمریکا به ایران، تصدی پست وزارت علوم، عضویت در ستاد و شورای عالی انقلاب فرهنگی و پذیرش مسئولیت در بسیاری از عرصه‌های مدیریت‌های علمی، آموزشی و پژوهشی تا آخرین لحظات عمر بابرکت خویش از خدمات ماندگار استاد به نظام، انقلاب و مردم بوده است.

با ذکر خاطره‌ای یاد استاد را گرامی می‌داریم. سال ۵۸ هم‌زمان با رفراندوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران میزبان استاد در محل اجتماعات هتل رامسر بودم، هم‌زمان گروه‌ها و برخی احزاب سیاسی شهر با حضور در محل اجتماعات پرشکوه زمینه را برای تغییر نظر استاد فراهم می‌کردند. این امر موجب نگرانی بسیاری از طرفداران انقلاب و قانون اساسی شد، با توجه به نظر تعیین‌کننده استاد مبنی‌بر دادن رأی آری یا نه به قانون اساسی، همگان منتظر پایان سخنرانی ایشان بودند که خوشبختانه باوجود فضاسازی و تبلیغات منفی، استاد شریعتمداری با اعلام رأی مثبت به قانون اساسی تعلق‌خاطر خود را به انقلاب و اعتلای کشور بیان کرده و همیشه در طول خدمت پاسدار قانون اساسی بوده است. امید است دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت بیش‌ازپیش اندیشه و مرام او را که همان اعتلای نظام تعلیم تربیت است، پاس داشته و قدم‌های مؤثری برای کاهش دغدغه‌های او بردارند. یادش گرامی، روحش شاد و راهش مداوم باد ان‌شاءالله.

جدول ۲۷۳۷ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- پاک و بی‌آلایش- رسوب‌های به‌جامانده از جریان آب در بستر رودخانه- جهانگرد ۲- درهم‌پیچیدن- بشقاب بزرگ- پرهیزگاری- چند رئیس ۳- مخلوط قیر با ماسه و شن- منطقه‌ای سردسیر در شمال روسیه- خاندان ۴- خوش‌خوان- پولی که فروشنده از قیمت جنس به سود مشتری کم می‌کند- بندری در بلغارستان ۵- هال- تصویر نقاشی‌شده ۶- ناممکن- از ساخته‌های سینمایی آلفرد هیچکاک- سوریه قدیم ۷- یازده- تنبل- از ادوات جنگی قدیم ۸- هرچیز بسیار تلخ- عریضه‌نویس- پلکان درشکه ۹- آنچه موضوع گفت‌وگوی بسیاری از مردم است- واحد اندازه‌گیری گرما- نوعی حلوا ۱۰- خطایی در فوتبال- شترمرغ آمریکایی- نوعی ماده رنگی برای نقاشی ۱۱- روستا- صادق و بی‌ریا ۱۲- قید زمان- حقیقت و ذات چیزی- جای خلوت و آرام ۱۳- مفلوج- نجات‌یافتن- تکرار مطالب در ذهن خود ۱۴- مسیر مسابقه اسب‌دوانی- جوانمرد- دریایی در ترکیه- ضمیر جمع ۱۵- پیمان اقتصادی کشورهای آمریکای شمالی و مرکزی- اصول و مبانی- رهن دهنده.

عمودی:

۱- نوآور- زن نافرمان- کندزبان ۲- دارای درجه بالاتر از استوار در ارتش- سیاه‌زخم- خورشید گرفتگی ۳- پوسیده- از هر طرف بخوانید جاهل است- عریان ۴- صوت- کاشف اشعه ایکس- شهر ترکیه ۵- نخستین رئیس‌جمهور روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی- مردانه نیست ۶- محل مناسب برای شناکردن- کمک‌رسانی- چین‌وچروک پوست ۷- زبان رسمی ایرانیان- کارکرده و کهنه ۸- از زبان‌های زنده دنیا- خطوط میله‌ای اطلاعات کالا- قلیل ۹- عاشق و دلداده- فضای بین دو خط ۱۰- رنج و سختی- کامل‌کردن- سیاره زحل ۱۱- نوار تزیینی- گزارش آگهی ۱۲- مجموعه تلویزیونی- حرکت ماده سیال- دریاچه دیدنی لرستان ۱۳- ضمیر انگلیسی- همسر اسکندر مقدونی- تکاپوی بسیار و بی‌حاصل ۱۴- سهل و ساده- استان- نصف آجر ۱۵- قید زمان- مورد قبول - دنیا.

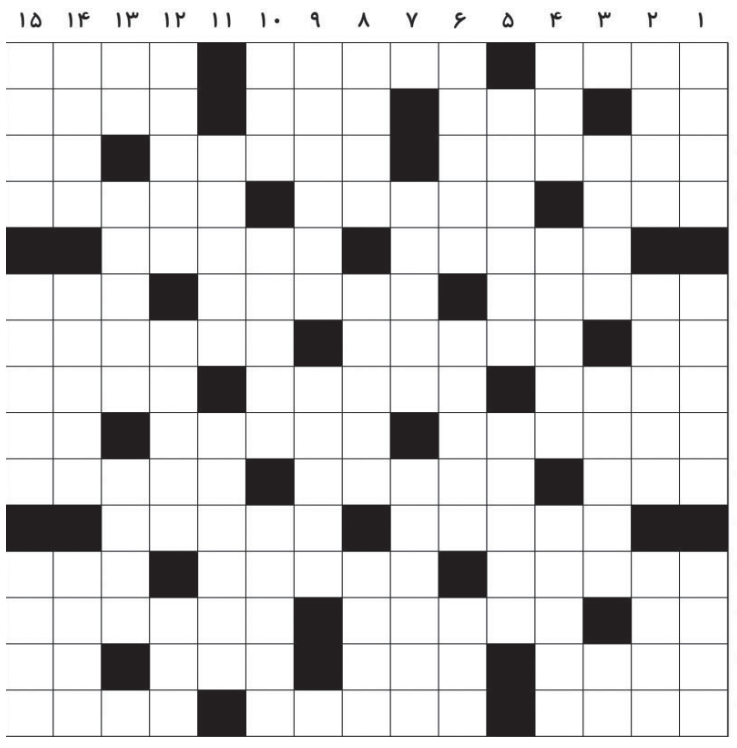

حل سودوکو سخت

۳	۷	۹	۸	۶	۵	۱	۴	۲
۲	۵	۸	۳	۴	۱	۶	۹	۷
۱	۴	۶	۲	۷	۹	۸	۵	۳
۷	۹	۱	۶	۸	۳	۴	۲	۵
۵	۸	۲	۹	۱	۴	۳	۷	۶
۶	۳	۴	۵	۲	۷	۹	۱	۸
۸	۱	۳	۴	۵	۲	۷	۶	۹
۹	۲	۷	۱	۳	۶	۵	۸	۴
۴	۶	۵	۷	۹	۸	۲	۳	۱

حل سودوکو ۱۷۳۲

۱	۲	۴	۹	۶	۵	۸	۳	۷
۶	۷	۹	۸	۳	۳	۴	۵	۱
۵	۸	۳	۱	۷	۴	۶	۲	۹
۳	۹	۷	۴	۵	۶	۱	۸	۲
۸	۶	۲	۳	۱	۷	۵	۹	۴
۴	۵	۱	۲	۹	۸	۷	۶	۳
۹	۳	۶	۵	۴	۱	۲	۷	۸
۲	۱	۵	۷	۸	۹	۳	۴	۶
۷	۴	۸	۶	۳	۲	۹	۱	۵

جدول ۲۷۳۶

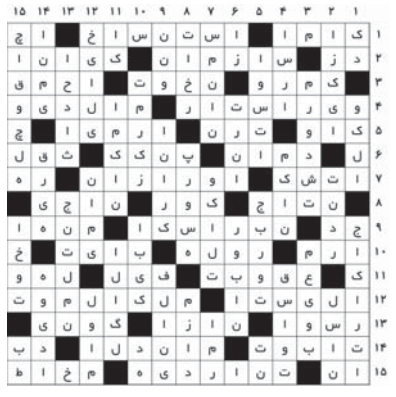

سودوکو سخت ۱۷۳۳

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۵	۹			۷				
		۳	۱		۵		۴	
		۱	۸					۷
		۴	۵		۶			
				۱			۲	
	۳	۸		۴				۶
۴	۶				۱			
				۹			۶	۲
۳		۹			۲			

سودوکو ۱۷۳۳

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۸				۱	۵		
۶	۷			۲		۹		
۲		۴				۱		۷
	۹		۸				۵	
		۳	۷		۶			۱
						۳	۲	
				۶		۴		۹
۹	۱		۴					۸
		۷				۲		۵